متن املای فارسی کلاسهای هفتم دبیرستان دارالفنون (دورهٔ اول) خرداد ماه ۱۴۰۳

یاد دارم که در ایـّام طفولیت متعبّد و شبخیز بودم .

من به هیچ وجه قبول نمی کنم حرفها و تحلیل های کسانی را که گاهی در برخی مطبوعات یا رسانه ها از انحراف نسل جوان سخن می گویند.

استقلال طلبی ، کنجکاوی ، شوق یادگیری و دانایی ، گاهی نوجوان را نآرام جلوه می دهد.

قلب ، راستَـش نمی دانم چیست امّا این را می دانم که فقط جای آدمهای خیلی خیلی خوب است.

با این قرار ، هیچ کس بیش از پنج و شش و حداکثر ده سال زندگی نمی کند زیرا قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می شود.

فرزندان عزیزم ! نامهٔ محبت آمیز شما را قرائت کردم ، کاش شما عزیزان مرا نصیحت می کردید که محتاج آنم.

معلم با همان لحن گرمَش ادامه می دهد : خیلی عالی است ، نظامی در آرایش صحنه های شعرش استاد بی نظیری است .

وقتی رجایی به داخل ماشین آمد عرق کرده و خسته بود به او گفتم اگر این وضع ادامه پیدا کند ، دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند.

این خدمات نشان دهندهٔ احساسات پاک و خالصانهٔ ایرانیان است زیرا سر و کارش با عشق و ایمان است .

در میان جمع گشاده رو بودو در تنهایی سیمایی محزون و متفکّر داشت ، هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات چشم هایش را به زمین می دوخت .

حکومت عراق به درخواست شاه اقامت امام خمینی را در آن کشور ممنوع کرد .

شاپَرَک گفت : متشکرم و بعد خیلی آرام با بالَش بوسه ای به گونهٔ آدم آهنی زد و از پنجره به بیرون پرواز کرد .

چون همهٔ بچّه های کلاس دوست داشتند در این کار شرکت کنند وقتی مقداری زمین را کندند جعبهٔ « نمی توانم » ها را در آنجا گذاشتند و به سرعت روی آن خاک ریختند .

مونِس ذرّه ذرّه قطره محروم وحشت هجوم عبرت مُعطّر اعتدال رایحه نهضت عنایت